



گزارشی از کتاب «التکفیر ضوابط الاسلام و تطبیقات المسلمین»

مجتبی محیطی*

مقدمه

تکفیر پدیده‌ای نوظهور نیست و از همان صدر اسلام در جامعه اسلامی وجود داشته است؛ نمونه بارز آن خوارج هستند که به جهت فهم نادرست از دین، به تکفیر دیگر مسلمانان اقدام کردند. فهم متفاوت از دین باعث شد که برخی فقط فهم خود را سائخ و درست بدانند و برای فهم دیگر مسلمانان، احترام قائل نشوند و حکم به کفر دیگران بدهند. تکفیر مسلمانان به جهت عدم اعتقاد به تجسیم خداوند و اعتقاد به مخلوق نبودن قرآن، از نمونه‌های این تفکر است که در قرون ابتدایی اسلام به وجود آمد. این تفکر همچنان ادامه داشته و اکنون برخی از عالمان مذاهب اسلامی، دیگر مذاهب و اشخاص مسلمان را تکفیر و حکم به ارتداد آنها می‌کنند. جریان‌های وهابی تندرو، یکی از جریان‌های تکفیری در دوران اسلام معاصر هستند که به تکفیر مخالفین خود همت گماشته‌اند. نویسنده این کتاب دکتر احمد برکات با توجه به تفکر تکفیری در بین مسلمانان، کتاب خود را با عنوان التکفیر ضوابط الاسلام و تطبیقات المسلمین نام‌گذاری کرده است. تا مشخص کند که ضوابط و اصول اسلامی در تکفیر چیست؟ و آیا می‌توان هر شخص را با سلیقه شخصی تکفیر کرد، یا اینکه تکفیر مسلمانان دارای ضوابط و اصول است؟

معرفی کتاب و نویسنده

شیخ دکتر احمد برکات از علمای برجسته لبنان، مؤلف کتاب التکفیر ضوابط الاسلام و

* دانش‌پژوه سطح ۴ نقد و هابیت، پژوهش‌گر مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام).

تطبیقات المسلمین است. وی در سال ۱۹۶۸م، در بیروت متولد و در سال ۱۹۸۳م، وارد حوزه علمیه شد و بعد از آن در حوزه علمیه مشغول به تدریس فقه، اصول، فلسفه، کلام، حدیث، منطق، نحو و بلاغت شد. ایشان همچنین مدرک دکترای خود را از «الجامعة الاسلامیة» در لبنان اخذ کرد و اکنون به عنوان استاد در رشته های فقه و اصول و فلسفه در جامعة المصطفی (در شعبه لبنان)، مشغول به تدریس است.

از جناب دکتر احمد برکات بیش از ۳۵ کتاب به چاپ رسیده است که می توان به حقیقة مصحف فاطمه، حقیقة الجفر عند الشیعه، دروس فی علم الدرايه، ولاية الفقيه بین البداهة والاختلاف، دروس فی الثقافة الاسلامیة و التکفیر ضوابط الاسلام و تطبیقات المسلمین نام برد. گزارش پیش رو به تبیین و معرفی کتاب التکفیر ضوابط الاسلام و تطبیقات المسلمین مربوط است. این کتاب در حقیقت رساله دکتری جناب شیخ احمد برکات بوده که به صورت کتاب تدوین شده است.

کتاب التکفیر ضوابط الاسلام و تطبیقات المسلمین دو مرتبه منتشر شده که گزارش این کتاب بر اساس نشر دوم آن در سال ۲۰۱۵م، است. این کتاب توسط انتشارات «دار الامیر للثقافة والعلوم» در بیروت منتشر شده است.

گزارش کوتاه از کتاب

مؤلف، کتاب را در سه باب ارائه کرده است. در باب اول با عنوان «الباب الاول: الاسلام و الایمان»، به مباحث اسلام و ایمان در لغت و اصطلاح پرداخته است؛ سپس با استناد به آیات و روایات، معنای درستی از اسلام و ایمان ارائه کرده است. در باب دوم با عنوان «باب الثانی: الکفر فی القرآن و السنة»، به معنای کفر در لغت و سپس در قرآن و حدیث پرداخته است؛ سپس با استناد به آیات و روایات، ضوابط کفر را مشخص کرده است که از نظر قرآن و سنت، به چه کسی می توان اطلاق کفر کرد. در باب سوم با عنوان «الباب الثالث: تطبیقات التکفیر عند المسلمین»، به عمل مسلمانان در تکفیر اشاره کرده و نشان داده که برخی از مسلمانان کسانی را کافر می دانند که در واقع، کافر به معنای مصطلح

نیستند. مؤلف در دو حوزه فقه و عقیده، این مبحث را پیش برده است. در حوزه فقه، به مسائلی مانند گناه کبیره، ترک نماز، حکم بغیر ما انزل الله و توسل اشاره کرده است که آیا چنین اعمالی می‌تواند موجبات کفر مسلمانی را به وجود آورد یا خیر؟ در حوزه عقیده نیز، به مباحث رویت خداوند، تحریف قرآن، خلق قرآن و قدیم بودن قرآن اشاره کرده است و با بررسی این موضوعات مشخص کرده که آیا اختلاف عقیده در این مسائل موجب کفر خواهد شد یا خیر؟ این کتاب ۵۱۹ صفحه‌ای، با خاتمه به پایان می‌رسد.

این کتاب آن‌گونه که مؤلف در پایان کتاب به آن اشاره کرده، به این سؤالات پاسخ داده است که حقیقت کفر در اسلام چیست؟ آیا کفر موجبات قتل شخصی را فراهم می‌آورد و آیا کفر مردم یک کشور، مجوز حمله به آن کشور را به ما می‌دهد؟ آیا کفر موجب قطعیت عذاب الهی است؟ فهم درست از نصوص اسلامی که مسلمانان را ترغیب به قتال کفار می‌کند چگونه است؟ آیا ضروری نیست که قوانینی برای تکفیر وضع شود تا برخی در مسئله تکفیر غلو نکنند؟ ضوابط دین در رابطه با اجتهادات مسلمانان تا چه حدی است؟ و هر شخصی تا چه حد در اجتهاد کردن آزاد است که دیدگاه خود را بیان کند و امان از تکفیر باشد؟ آیا کسانی که امروز به تکفیر مسلمانان اقدام می‌کنند، این اصول و ضوابط را رعایت می‌کنند؟

باب اول: الاسلام و الایمان

مؤلف در باب اول، به معنای اسلام در لغت پرداخته است؛ سپس اسلام را از نظر قرآن بررسی کرده است. وی پس از بررسی آیات به این نتیجه رسیده است که واژه اسلام، مختص به دین اسلام نیست؛ بلکه قبل از اسلام نیز این واژه کاربرد داشته است. در زمان حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و سلیمان علیهم‌السلام نیز مورد توجه بوده است. نویسنده کتاب پس از بیان این مطلب می‌گوید: اسلام در سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز به معنای احکام ظاهری است و هر کس اسلام ظاهری را داشته باشد، احکام ظاهری اسلام بر آن بار می‌شود و خویش در امان است و ازدواج او درست است و احکامی مانند ارث و... برای او درست است. چنین اسلامی با اظهار شهادتین ایجاد می‌شود؛ چنان‌که احادیث زیادی از

معصومین در این باره روایت شده است. در روایات معتبر اهل سنت مثل صحیح بخاری و مسلم نیز، روایاتی با این مضمون وجود دارد که هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند، مسلمان است و جان و آبرو و مالش در امان است.

در مقابل اسلام ظاهری، اسلام واقعی وجود دارد که مراد آن، اسلامی است که انسان به وسیله آن بهشتی می‌شود. با این تقسیم از اسلام (ظاهری و واقعی)، می‌توان حدیث افتراق مسلمانان به ۷۳ فرقه را تفسیر کرد؛ به این صورت که همه مسلمانان، اسلام ظاهری دارند؛ چون از یک مذهب پیروی می‌کنند و خون و جان و مالشان در امان است؛ اما اسلام واقعی را همه‌ی این مذاهب ندارند؛ بلکه یک مذهب است که خط راستین اسلام را انتخاب کرده است و در آخرت به هدف می‌رسد.

مؤلف پس از تقسیم اسلام به ظاهری و واقعی می‌نویسد: آنچه در مبحث تکفیر مهم است، اسلام ظاهری است و از این نظر همه مسلمانان، اسلام دارند و کسی نمی‌تواند آنها را تکفیر کند؛ چون تکفیر مربوط به امور دنیوی است و حلیت جان و مال مسلمان است و در حفظ جان و مال، اسلام ظاهری کفایت می‌کند.

اما یکی از مباحثی که ذیل مبحث تکفیر مطرح است، بحث ایمان است. مؤلف به-همین جهت وارد مبحث ایمان شده و بعد از بررسی ایمان در قرآن و سنت به این نتیجه می‌رسد که ایمان در کتاب و سنت به معنای ایمان در لغت به معنای تصدیق قلبی است و در کتاب و سنت چیزی فراتر از معنای لغوی ثابت نشده است. مؤلف بعد از بررسی مصادیق ایمان در کتاب و سنت به این نتیجه رسیده است که ایمان در قرآن و سنت به-معنای «الله» و «رسول» آمده است؛ بنابراین با این تعریفی که قرآن و سنت از ایمان بیان کرده، چیزی فراتر از اسلام نیست؛ چراکه در اسلام نیز شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر شرط بود.

باب دوم: الکفر فی القرآن و السنة

در این باب، مؤلف به واژه کفر در قرآن و سنت پرداخته است. نویسنده کتاب بر این باور است که هدف خداوند از به کار بردن لفظ کفر، مشخص کردن اسلام و ایمان است. در

کتاب خداوند، ۵۲۴ مرتبه حروف «ک-ف-ر» در قالب ۵۱ کلمه آمده است. از واژه کفر در لغت، معانی مختلفی ارائه شده است. گاهی در مقابل ایمان و گاهی در مقابل شکر و گاهی در مقابل گناه و گاهی در مقابل برائت به کار رفته است. در آیات الهی و سنت نبوی نیز، این معانی لغوی مشهود است. در برخی از آیات الهی و روایات نبوی، کفر در مقابل ایمان قرار گرفته است و در برخی موارد، در دیگر معانی به کار برده شده است. مصنف در ادامه به این مبحث اشاره کرده و معتقد است که کفر در مقابل اسلام و ایمان واقعی نیست؛ بلکه کفر در اصطلاح قرآن، در مقابل اسلام و ایمان ظاهری قرار می‌گیرد؛ با این تعریف، کسی که منافق است، هرچند ایمان و اسلام واقعی ندارد و به آنچه که می‌گوید قلباً و عملاً معتقد نیست، اما در ظاهر مسلمان است و نمی‌توان به او لقب کافر داد؛ این حقیقت را می‌توان در آیات الهی نیز مشاهده کرد؛ آنجا که خداوند بین منافق و کافر فرق قائل شده است.

خداوند در قرآن، کافر را به دو قسم کافر ظاهری و کافر واقعی تقسیم کرده است. مراد قرآن از کافر ظاهری، کافرانی هستند که در مقابل مسلمانان قرار می‌گیرند؛ اما مراد قرآن از کافرین واقعی، منافقینی هستند که در ظاهر حکم اسلام بر آنها اطلاق می‌شود و به ظاهر مسلمان هستند؛ ولی در واقع کافر هستند؛ هرچند احکام اسلامی بر این گروه در دنیا اطلاق می‌گردد و جان و مالشان محفوظ است.

در قرآن به پنج گروه کافر ظاهری گفته می‌شود. مشرکین، معتقدین به تثلیث، معتقدین به الوهیت انسان، منکرین آیات الهی و ابلیس از نظر قرآن کافر ظاهری هستند؛ از نظر قرآن، جهاد با اینها واجب و اطاعت از آنها حرام است؛ از نظر سنت نبوی نیز بر کافر، احکامی مترتب است. فسخ عقد ازدواج، ارث نبردن کافر از مسلمان، و جوب کشتن کافر مرتد از جمله‌ی این موارد است.

در قرآن و سنت به کسی کافر گفته می‌شود که به خداوند و رسالت پیامبر ﷺ معتقد نباشد؛ هرچند در روایات مواردی را مشاهده می‌کنیم که کفر را تعمیم داده و موارد زیادی را شامل می‌شود. در روایات آمده است که تارک الصلاة، تارک روزه، ترک کننده

حج، زکات ندادن، جدل در قرآن، قسم به غیر خدا، شرب خمر، کشتن مسلمان، بنای بر قبور، سحر و... از موارد کفر شمرده شده است. مصنف با بررسی این روایات به این نتیجه می‌رسد که گرچه در روایات به چنین اشخاصی کافر اطلاق شده است، اما کفر در این موارد به معنای کفر اصطلاحی نیست؛ زیرا این روایات معارض با سیره پیامبر ﷺ هستند؛ همچنین معارض با روایاتی هستند که شهادتین را در اسلام کافی می‌داند.

باب سوم: تطبیقات التکفیر عند المسلمین

در این قسمت، مؤلف به تکفیر از حیث عمل و عقیده پرداخته است. مصنف در این قسمت به موضوع تکفیر در نزد مسلمانان از جهت عمل و عقیده پرداخته است؛ از نظر عملی، چهار علت را مورد بررسی قرار داده که از نظر برخی مذاهب، موجب کفر می‌شود. آن چهار مورد نیز ارتکاب کبیره، ترک الصلاة، حکم به غیر ما انزل الله و توسل به صالحین می‌باشد. آقای دکتر برکات پس از بیان این موارد، به پاسخ آن پرداخته و ثابت کرده است که چنین اموری سبب کفر عملی نمی‌شود. در فصل دوم، وارد حوزه کفر از حیث عقیده شده و چهار مورد رویت خداوند، تحریف قرآن، خلق قرآن، قدیم بودن قرآن را مورد توجه قرار داده است. مؤلف پس از ذکر این چهار مورد ثابت کرده است که این موارد نیز، باعث کفر نمی‌شود.